

## جایگاه جهانی آذربایجان در نقشه‌های جغرافیایی تاریخی

امیرهوشنگ انوری\*

واسیلی ولادیمیر وویچ بارتولد دانشمند و شرق‌شناس شهیر و برجسته روس می‌نویسد: «محتوای اصلی تاریخ هر کشور، وابسته به مدارج مشارکت آن در فرهنگ جهانی است».<sup>۱</sup> در این معنا اهمیت تاریخی سرزمینها با میزان حضور آنها در فرهنگ جهانی سنجیده خواهد شد. حضوری که نشان دهنده سهم و نقش ایشان در سرگذشت بشر و فرآیند پیشرفت آن است. بدیهی است در این راستا مردمانی که تاثیری کهن و مستمر داشته‌اند، جایگاهی شایسته‌تر و ارجمندتر برایشان می‌توان متصور بود.

اما پرسش اصلی اینجا است که از «فرهنگ جهانی» چه باید مستفاد کرد؟ و معیارهای سنجش این فرهنگ جهانی چیست؟

در تعریفی کلان و ساده: «فرهنگ مفهومی گسترده که تمامی الگوهایی را که در جامعه آموخته می‌شوند، در آن غنا می‌یابد و از طریق نمادها منتقل می‌شوند» را شامل است.<sup>۲</sup> این نمادها در قالبهای متنوع و مختلفی از دستاوردهای بشری اعم از محصولات و مصنوعات مادی و معنوی قابل تشخیص‌اند و در مجموع به بیان الگوهای آموخته شده توسط انسان می‌پردازند و خود عامل مهم و تعیین کننده‌ای در مسیر تاریخی پیشرفت تمدنی- فرهنگی ما بوده‌اند و هستند.

نقشه‌های جغرافیایی یکی از اسناد معتبر و قابل اعتنایی است که زمانی بیش از دو هزاره است که تهیه و تولید شده و اکنون بخشی از میراث فرهنگی بشری است. دانش ما گواهی می‌دهد که سابقه رسم نخستین نقشه‌های جغرافیایی به تمدنهای اولیه و سپیده دم تاریخ مربوط است. از اقوام ابتدایی اسکیموهای کانادا و افریقای جنوبی گرفته تا مصر و بین‌النهرین (میان رودان) باستان.<sup>۳</sup> هرچند سرآغازهای جدی نقشه‌کشی در

---

\* پژوهشگر مولف: *اطلس تاریخی نقشه‌ها و تصویرهای جغرافیایی آذربایجان*، تهران: ندای تاریخ، ۱۳۹۴

۱. بارتولد، *جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام*، ص ۱

۲. ساروخانی، باقر، *درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیهان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۷۵

مکتب جغرافیایی یونان باستان سامان گرفت. اما، تاریخ نقشه‌نگاری بشر با کتاب *جغرافیا* و نقشه‌هایی که به کلادیوس بطلمیوس<sup>۴</sup> (سده اول میلادی) منسوب است اعتبار جهانی یافت. بطلمیوس دقیق‌ترین ترسیمی که تا آن زمان از جهان شناخته شده وجود داشت را فراهم آورد و برای نخستین بار مجموعه‌ای از نقشه‌های منطقه‌ای تولید و گردآوری کرد. او نظام جغرافیایی جامعی پی‌افکند که تا قرن‌ها دانش اصلی شناخت بشر از جهان شمرده می‌شد.

قدیمی‌ترین ثبت سرزمینی با نام آذربایجان در نقشه‌های تاریخی به همین نقشه‌های بطلمیوس باز می‌گردد. البته نقشه‌های اصلی و اولیه از دستبرد زمان در امان نماندند؛ اما خوشبختانه کتاب بطلمیوس با توجه به اهمیت و نیاز از میان نرفت. در نتیجه، نقشه‌های انبوهی که هم اکنون با نام بطلمیوس در دسترس است باز ترسیم‌هایی هستند که از قرون پانزدهم به بعد توسط نقشه‌نگارهای عمدتاً اروپایی کشیده شده‌اند.

در کتاب بطلمیوس آن دسته اسامی جغرافیایی شامل سرزمینهای بزرگ و کوچک، مناطق و نواحی، شهرها و آبادیها و عوارض طبیعی ثبت شده‌اند که در دنیای قدیم به سبب اهمیت‌شان شناسایی شده بودند. دانش بطلمیوس مبتنی بر پیشرفتهای اطلاعات جغرافیایی در جریان جهانگشایی‌های اسکندر مقدونی و گسترش امپراطوری روم استوار بود. در نقشه‌های بطلمیوسی آذربایجان با نامهای «آنتروپاتیا»، «آتروپاتن»، «آتروپاتنه» ناظر به ایالتی است که از جنوب غرب و غرب به ایالت باستانی «آشور/آسور» (شمال عراق)، از غرب و شمال غرب به سرزمین «ارمنستان» (شرق ترکیه و جمهوری ارمنستان)، از شمال به آلبانیا (جمهوری آذربایجان)، و از شمال شرق به دریای کاسپی (خزر) و گیلان، از جنوب و جنوب شرق به ایالت پهناور «ماد» (غرب و مرکز ایران کنونی)، محدود است. در این نقشه‌ها شمار فراوانی از اسامی شهرها به نشانه آبادانی منطقه نموده شده است.

از این پس آذربایجان در غالب نقشه‌هایی که نمایش این بخش از جهان را مقصود داشتند وجود دارد. در سرتاسر قرون وسطی که نقشه‌کشی در اروپا پیشرفتی نداشت، آذربایجان در نقشه‌نگاری دوره اسلامی همواره ترسیم می‌شد.<sup>۵</sup>

در نقشه‌کشی دوره اسلامی که از سده‌های سوم و چهارم تا قرون هشتم و نهم قمری انبوهی نقشه جغرافیایی در قالب چند مکتب و شیوه برجسته توسط شماری از بهترین دانشمندان مسلمان مانند ابو

<sup>۴</sup> . Cladius Ptolemy

<sup>۵</sup> برای آگاهی درباره نقشه‌نگاری دوره اسلامی، بنگرید به: گنجی، محمد حسن و امیرهوشنگ انوری (تابستان ۱۳۹۰)، «نقشه و نقشه‌نگاری در تمدن اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی *مطالعات تاریخ اسلام*، ش ۹، صص ۹۷-۱۲۶

<sup>۶</sup> برای آگاهی درباره نقشه‌نگاری دوره اسلامی بنگرید به: گنجی، محمدحسن و امیرهوشنگ انوری، «تاریخ نقشه و نقشه‌نگاری در تمدن اسلامی»، *تاریخ اسلام*، تابستان ۱۳۹۰، ش ۹، صص ۹۷-۱۳۶

اسحاق اصطخری، مقدسی شامی، ابوریحان بیرونی، خواجه نصیرالدین طوسی، حمدالله مستوفی، شهاب الدین حافظ ابرو و مانند آن فراهم آمد، آذربایجان جایگاه ویژه‌ای دارد. در مکتب نقشه‌کشی موسوم به ابوزید بلخی (قرن ۴ ق)، آذربایجان در کنار ارمنیه و اران یک نقشه منطقه‌ای بسیار پر اهمیت به خود اختصاص داده که از حیث ارایه اطلاعات جغرافیایی منطقه تا آن تاریخ بی‌سابقه بود. در روشی که نقطه اوج آن ۷۳ نقشه منطقه‌ای وی در کتاب *نزهة المشتاق* (قرن ششم قمری) به چشم می‌خورد آذربایجان با ثبت جزئیات شهرهایش در دو نقشه آمده است. همچنین در نقشه مستطیل شکل مستوفی که در پیروی شیوه‌ای مربوط به نجیب بکران در سده هشتم قمری رسم شده نام شهرهایی از آذربایجان برای نخستین بار روی یک سند مصور جغرافیایی ثبت شده است.<sup>۷</sup>

پایان اعتبار نقشه‌کشی در تمدن اسلامی با سرآغاز نقشه‌نگاری جدید اروپا در قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی ارتباط دارد. احتمالاً نقشه پیوست کتاب پیترودلواله، جهانگرد ایتالیایی یکی از نخستین نقشه‌های جدید است که بر اساس پیمایش جغرافیایی منطقه در سال ۱۶۶۵ م تهیه شده است. نقشه جیمز موریه در سال ۱۸۱۸ م، نقشه ارزشمند دیگری است که اختصاصاً شمال غرب ایران را با ذکر کامل جزئیات نشان می‌دهد و بر خلاف نقشه دلواله که الگوی بطلمیوسی را دنبال کرده، کاملاً منطبق با کارتوگرافی نوین کشیده شده است. در قرن نوزدهم شمار نقشه‌های منطقه‌ای آذربایجان فراوانی چشمگیری می‌گیرد که به اهمیت منطقه برای نقشه‌کشهای خارجی مربوط است.

انعکاس آذربایجان در معنای سرزمین پهناوری که امروز شامل استاهای آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل ایران است در نقشه‌های جدید رویدادی غریب نیست. چه این که نقشه‌نگاری جدید همین رویکرد را در مورد تمام نواحی جهان دیر یا زود پیش گرفت. مهم این بود که منطقه آن اندازه اهمیت داشت تا خیلی زود نقشه‌ها منطقه‌ای از آن رسم گردد. اما آنچه‌بیشتر محل توجه است این که نمود آذربایجان در نقشه‌های جغرافیایی اکنون عمری حدود دوهزار سال دارد که تقریباً به شکل مستمر در تاریخ کارتوگرافی تداوم یافته است. این واقعیت که برای بسیاری از نواحی باستانی و شاید مهم جهان رخ نداده، حکایت از جایگاه و اعتبار آذربایجان در جهان دارد.

---

۷. برای مشاهده این نقشه‌ها بنگرید به: انوری، امیرهوشنگ، *وصف ایران و مناطق آن در برخی نقشه‌های دوره اسلامی*، با همکاری فاطمه فریدی مجید و زیر نظر حسن حبیبی، تهران: بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۹۱